

«بخارست»؛ تمسخر و توهین دستاویز کمدی شدن!



فیلم‌هایی چون «بخارست» را می‌توان زاینده سطره نظام فیلم‌های کارراه‌ای دانست که به شکل تازه‌ای به گیشه سینمای ایران بازگشته‌اند. آثاری از این دست که مرزهای ابتدال و فیلم‌فارس را به شکل ارتجاعی درمی‌نوردند هر کدام گواهی هستند بر ابتدال افسارگسیخته در این نوع سینمای کشور. فیلم کمدی «بخارست» که این روزها در شبکته نمایش خانگی در حال نمایش است از ۲۴ آبان سال گذشته اکران خود را در سینماهای کشور آغاز کرد و توانست به یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های سال ۱۴۰۱ تبدیل شود تا بار دیگر ثابت شود در سینمای ایران فیلم‌های کمدی مبتدل و شبه فیلم‌فارس‌ها همچنان می‌فروشند.

صادق کوشکی منتقد سینما_ در این خصوص می‌گوید: «می‌شود در کمدی ارزش‌های اخلاقی را رعایت کرد، کما اینکه در کارهای چارلی چاپلین ارزش‌های اخلاقی و انسانی رعایت شده است و فیلم‌هایی هستند که بعد از خنده، ما را به فکر فرو می‌برند. اما کمدی سازان ما چون فاقد تفکر و خلاقیت هستند، متوسل به لودگی و سخافت می‌شوند برای فروش و متأسفانه چون فیلم کمدی هم کم داریم، با استقبال هم روبه رو می‌شوند.»

در دهه گذشته فیلم‌های کمدی همواره از فروش قابل توجهی برخوردار بوده‌اند، از «رحمان ۱۴۰۰»، «خوب، بد، جلف» و «هزارپا» گرفته تا «سگ بند»، «انفرادی» و «بخارست»، همه این آثار با وجود فروش بالا، در یک چیز مشترک هستند آن هم فقدان ارزش‌های فرهنگی هنری، به حرکت در مسیر ابتدال، سطحی نگری و نگاه ساده انگارانه به کمدی و طنز.

به گزارش فارس در این گزارش تلاش خواهد شد ابعاد مخرب این فیلم بررسی و تحلیل شود.

«بخارست»؛ همان سبک و سیاق همیشه

«بخارست» با همان سبک و سیاق فیلمسازی مسعود اطیابی ساخته شده است. مضمون این فیلم همچون «تگراس» و حتی «انفرادی» بسر پایه کل کل و دعواهای لفظی دو شخصیت اصلی داستان یعنی جلیل (پژمان جمشیدی) و جلال (حسین یاری) می‌گذرد با این تفاوت که اینبار این دو عاها و رد و بدل شدن کلمات زشت و سخنی‌نه بین دو دوست بلدک بین دو برادر شکل می‌گیرد و فیلمساز تنها دستاوردش برای کمدی‌شدن داستان، تحقیر، تمسخر و توهین این دو برادر به یکدیگر است.

در این‌جا نیز سیاقی با استفاده از فرمول فیلم‌های قبلی‌اش، مجموعه سکناس‌های بی‌ربط و بداهه گوی‌های شخصیت‌هایش را در کنار هم قرار می‌دهد تا بلکه بتواند مخاطب را بخنداند. اما متأسفانه این اجناس که «بخارست» در این حداقل کار هم نتوان است و تماشاگر زمانی که این اثر سینمایی را می‌بیند، به خودش می‌گوید: «این چه مهملی بود که من دیدم!» در دهه گذشته فیلم‌های کمدی همواره از فروش قابل توجهی برخوردار بوده‌اند، از «رحمان ۱۴۰۰»، «خوب، بد، جلف» و «هزارپا» گرفته تا «سگ بند»، «انفرادی» و «بخارست». همه این آثار با وجود فروش بالا، در یک چیز مشترک هستند آن هم فقدان ارزش‌های فرهنگی هنری، حرکت در مسیر ابتدال، سطحی نگری و نگاه ساده انگارانه به کمدی و طنز در نقد فیلم «بخارست» آمده است: «فیلم بخارست یک فیلم شلخته و شلوغ است که بعد از اواسط فیلم مخاطب را خسته می‌کند. رویدادهای بی‌منطقی که بی‌دری می‌گذرد و همه چیز حتی ساختار را فدای شوخی‌های بی‌مزه خود می‌کند بلکه بتواند از مخاطب خنده بگیرد اما اصلاً این شوخی‌ها موفق عمل نمی‌کنند، با این همه مسعود اطیابی در مقام کارگردان معتقد است: «من در جایگاه فیلمساز اگر بتوانم دو ساعت مردم را شاد کنم، گام بزرگی برداشتم.» خانواده‌های پرمشغله امروزی را به سادگی نمی‌توانند به خودی خود دستاورد مثبتی است و اگر چنین اتفاقی محقق شد در مرحله بعد می‌توان به ماهیگیری که یک فیلم باید به مخاطب ارائه دهد، فکر کرد.» با این همه به نظر می‌رسد این کارگردان هیچ درک درستی از جایگاه مخاطب ندارد.

به همین دلیل هم هست که مخاطب را دست کم گرفته و حتی حقوق اولیه آن را کاملاً نادیده می‌گیرد. «بخارست» چنین فیلم بی‌عفتی است که نمی‌شود حتی از یک نمای آن لذت برد و خندید چه برسد به آنکه بخواند مفهومی را به مخاطب ارائه دهد؛ چراکه این فیلم همچون فیلم «انفرادی» و ساخته‌های قبلی اطیابی، یک فرمول تکراری دارد که برگ برنده این فیلمساز در سال‌های اخیر

بوده و آن لوده بازی حداکتری در طول فیلم است.

بی‌خاصیت و تحقیر آمیز

در این جا البته فیلمساز سعی کرده با اشاره به برخی از تجربیات تلخ اجتماعی مانند چالش‌های مضحک و آسیب زای فضای مجازی بخصوص اینستاگرام، هشدار می‌دهد به مخاطب بدهد و یا به نقد فساد در دستگاه‌های حکومتی و آفازدها بپردازد اما مانند تمام کمدی‌های سطحی چند سال اخیر، صرفاً از یک اشاره فراتر نمی‌رود و به بی‌خاصیت‌ترین شکل ممکن این کنایه‌های سیاسی و اجتماعی را مطرح می‌کند. در واقع «بخارست» نه تنها هیچ دغدغه‌ای را پیش نمی‌کشد، حتی زمان‌هایی که سراغ موضوعاتی چون، فساد و آسیب‌های اجتماعی می‌رود آن را از معنا تهی می‌کند. در واقع باید گفت گرچه طرح فساد اقتصادی برخی مدیران اجرایی، دل مخاطبان را خنک می‌کند اما شبه‌کمدی‌ها در این سال‌ها بسیار از این موضوع وام گرفته و با روایت‌های سینمایی دم‌دستی و تکراری، کل مطالبه‌گری مردم را لوٹ کرده‌اند.

یکی دیگر از عوامل جدی گرفتن این ارجاعات و انتقادات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فیلم «بخارست» فضای کارتون‌ی داستان است. در جغرافیای فیلم آدم‌های تبهکاری چون تیم هادی کاظمی با آن ماشین‌های تابلوی قدیمی آمریکایی خود آزادانه و رها اسلحه بسته در شهر می‌چرخند بدون آنکه پلیس برخوردی با آنها داشته باشد. سکناس‌های پایانی فیلم که حامد_ پسر وزیر_ خیلی جدی در دادگاه در حال ارائه مستندات قانونی خود و به اصطلاح افشاشگری است همچون وصله‌های ناجور به فیلم سنجاق شدن و هیچ سنسنی‌های فضایی ولنگار داستان ندارند و شاید تنها تمهیدی از سوی اطیابی برای گرفتن مجوز براب چنین فیلمنامه ضعیفی بوده است.

تحریب نهاد خانواده

«بخارست» همانند اکثر فیلم‌های کمدی این سال‌ها نه تنها از داستان عمیق و پر محتوایی برخوردار نیست بلکه تصویری مخرب از یک خانواده ایرانی نشان می‌دهد. از جلال و جلیل و توهین کردن‌هایشان به یکدیگر که بگذریم، پدر آنها هم مردی منفع‌طلب، بی‌قید و خودخواه است که حاضر است بخاطر چند سیخ کباب تمام زندگی پسرانش را برباد دهد. طنز می‌بایست زبان گویای جامعه باشد، می‌بایست بتواند از مسیری تازه به دل مفاهیم و موضوعات رسوخ کند، اما در فیلمی چون «بخارست» همه چیز در سطح می‌گذرد و نقد برخی از دیالوگ‌هایش زنده است که حتی بازگو کردن آن‌ها شرم‌آور است

خانواده در «بخارست» جنون محض است، هر بی‌قانونی و ابتدالی که فکر کنید در آن اتفاق می‌افتد، توهین برادر

کوچک‌تر به برادر بزرگ‌تر، توهین عروس به پدر همسر و... (همسر جلال در جمع و بیش چشم پدر شوهرش به او می‌گوید: «گوسفند جد و آبداته!» که با واکنش پدر روبرو می‌شود که در جواب می‌گوید «جدآبادش منم». برادر بزرگ‌ترش (رئانه) تاکسی می‌است، او را تحقیر می‌کند و این جمله را به زبان می‌آورد که جسد این آقازاده هم از زنده ما (خوانید قشر کم برخوردار) خوش‌بوتر است. به کار بردن دیالوگ‌هایی چون «ما نمره بوی سگ می‌دیم!» «هنوز تو نمردی از این بوی بدتری میدی» شرم آور است و سطح دیدگاه کارگردان فیلم را نشان می‌دهد.

فیلم‌هایی چون «بخارست» را می‌توان زاینده سطره نظام فیلم‌های کارراه‌ای دانست که به شکل تازه‌ای به گیشه سینمای ایران بازگشته‌اند. این آثار که مرزهای ابتدال و فیلم‌فارس را به شکل ارتجاعی درمی‌نوردند هر کدام گواهی هستند بر ابتدال افسارگسیخته در این نوع از سینمای کشور. در فیلم‌های کمدی بیش از فیلم‌های اجتماعی و درام می‌توان به مسائل مهم و روز جامعه پرداخت و آسیب‌های اجتماعی را واکوی کرد، اما با بررسی آثار فیلمسازی چون مسعود اطیابی مشخص است آنها نه تنها چنین هدفی از ساخت فیلم‌هایشان دنبال نمی‌کنند، بلکه صرفاً سینما را کالایی برای کسب درآمد می‌دانند و این در راه از هر چیزی بالاتر است. شوخی‌های جنسی گرفته تا توهین و تحقیر و خشونت‌های کلامی و فیزیکی و حتی تحریب نهاد خانواد است استفاده می‌کنند و با سوء استفاده از عدم نظارت درست و اصولی بر تولیدات سینمایی فیلمی پرفروش می‌سازند و به عبارتی گیشه را فتح می‌کنند!

در صحنه‌ای از «بخارست» ۵ شخصیت فیلم در حال فرار سر از میهمانی بی‌معنای لات‌های شهر درمی‌آورند، در این میهمانی (که در یک تالار لوکس مسروزی اتفاق می‌افتد)، لشگر داش مشت‌های با سبیل‌های چخماقی، کلاه شاپو، دستمال بزدی و تیزی در حال با یکبارک رقصیدن هستند. این سکناس از یک سوء استعراهای از ماهیت فیلم و از سوی دیگر ادای دینی به فیلم‌فارس‌های دوران طاغوت است. از این رو است که فیلم‌هایی چون «بخارست» را می‌توان زاینده سطره نظام فیلم‌های کارراه‌ای دانست که به شکل تازه‌ای به گیشه سینمای ایران بازگشته‌اند. آثاری از این دست که مرزهای ابتدال و فیلم‌فارس را به شکل ارتجاعی درمی‌نوردند هر کدام گواهی هستند بر ابتدال افسارگسیخته در این نوع از سینمای کشور. حرف آخر اینکه آشکارا این رویکرد امروز در حال رسوخ به پیکره سینماست و نیاز به ورود کارشناسان برای آسیب شناسی و دخالته مدیران ارشد برای اصلاح، بشدت حس می‌شود. این موج جدید از فیلم‌های به اصطلاح کمدی که در سینمای ایران به راه افتاده است می‌تواند ضربه مهلکی به بدنه سینما وارد کند سینمایی که خالی از فکر و اندیشه است و می‌تواند به مرور زمان منجر به فروپاشی‌های اخلاقی و فرهنگی در جامعه شود.

تحلیل آخر

به نظر می‌رسد فیلم‌هایی چون «بخارست» نه تنها نسبتی با سینمای کمدی ندارند، حتی می‌توان آن‌ها را به عنوان یک آسیب اجتماعی در نظر گرفت. وقتی در فیلمی کلکسیون فحش، انواع توهین‌ها یافت می‌شود چه نامی بر آن می‌توان گذاشت؟ طنز می‌بایست زبان گویای جامعه باشد، می‌بایست بتواند از مسیری تازه به دل مفاهیم و موضوعات رسوخ کند، اما در فیلمی چون «بخارست» همه چیز در سطح می‌گذرد و نقد برخی از دیالوگ‌هایش زنده است که حتی بازگو کردن آن‌ها شرم‌آور است.

کافی است فیلمی «بخارست» را به عنوان یک نمونه «مورد مطالعه» در نظر گرفت تا به روشنی هم شاهد افول مفاهیم سینمایی بود و هم به نظاره این موضوع نشست که چطور موضوعات مهمی چون «طبقات کم برخوردار جامعه»، «زنان»، «موضوعات مهمی» و حتی «فساد» از معنا تهی شده و به تمام نقاط کشور بشود.

سین هم‌ا جدیکار دیگر چهره سابقه تئاتر و تئاتر عروسکی نیز گفت: خوشحالم این جشنواره به دوره نوزدهم رسید و جوان‌های کاربلد این جشنواره را پیش می‌برند. من از دهه ۷۰ حجازی‌فرامی‌شناسم و به خلاقیت و پشتکار او باور دارم. وی تأکید کرد: عروسکی‌ها به حمایت نیاز دارند چون کار سنگینی است. تئاتر عروسکی سرمایه‌گذاری روی انسان‌سازی و پرورش بچه‌ها و نسل‌های جدید است. اگر نمایش عروسکی فعال بود تا بچه‌ها حرف خود را از این طریق بزنند ما به اینجا نمی‌رسیدیم. امیدوارم فضای صلح‌طلبانه تئاتر عروسکی در جامعه حاکم شود.

در ادامه میرارش مصطفایی دبیر اجرایی جشنواره اعلام کرد: مجموعاً ۵۸ نمایش در جشنواره حضور دارند. ۱۸ کار از شهرهای دیگر در جشنواره حضور دارند و از حداکثر کمک هزینه‌ها بهره‌مند شده‌اند. جشنواره در مجموعه تئاتر شهر و سالن‌های مرکز تولید تئاتر و تئاتر عروسکی کانون اجرا می‌شوند. سپس حجازی‌فر دربار میزان کمک هزینه‌ها و جوایز جشنواره یادآور شد: برای صحنه‌ای ۲۰ تا ۵۰ و برای فضای بساز ۲۵ میلیون تومان کمک هزینه پرداخت می‌شود. این میالغ شوخی است ولی در این حد توان‌مان بود. بودجه اسمال نسبت به دوره‌های گذشته رشد داشت ولی در تلاش هستیم از طریق جذب اسپانسر حمایت‌های بیشتری از گروه‌ها داشته باشیم. هدف اصلی‌مان اجرای عمومی آثار جشنواره هستیم.

در این بخش از نشست کاظم نظری مدیرکل هنرهای نمایش نیز در این نشست حضور پیدا کرد و گفت: اسمال با برنامه‌ریزی هادی حجازی‌فر جشنواره‌ای خیلی حرفه‌ای خواهیم داشت. قطعاً برنامه‌ریزی خواهیم کرد تا آثار در سالن‌های حرفه‌ای اجرا شوند. وی تأکید کرد: بعد از جشنواره صندوق حمایت از تئاتر عروسکی راه‌اندازی می‌شود و سالیانه اختصاصی به تئاتر عروسکی تعلق خواهد گرفت. حجازی‌فر در پایان سخنان خود گفت: یکی از شروط من این بود که سالان قشقای به تئاتر عروسکی اختصاص پیدا کند. قول می‌دهم کارهای برگزیده ما در سالن‌های حرفه‌ای از جمله تئاتر شهر اجرا شوند.

سخره گرفته می‌شوند. به عنوان مثال جلال بازیگر اصلی فیلم «بخارست»، وقتی در حال انتقال جنازه (پسر وزیر که قصد اقتشای فساد را دارد) است، چندین بار در گفتگو با برادر بزرگ‌ترش (رئانه) تاکسی می‌است، او را تحقیر می‌کند و این جمله را به زبان می‌آورد که جسد این آقازاده هم از زنده ما (خوانید قشر کم برخوردار) خوش‌بوتر است. به کار بردن دیالوگ‌هایی چون «ما نمره بوی سگ می‌دیم!» «هنوز تو نمردی از این بوی بدتری میدی» شرم آور است و سطح دیدگاه کارگردان فیلم را نشان می‌دهد.

فیلم‌هایی چون «بخارست» را می‌توان زاینده سطره نظام فیلم‌های کارراه‌ای دانست که به شکل تازه‌ای به گیشه سینمای ایران بازگشته‌اند. این آثار که مرزهای ابتدال و فیلم‌فارس را به شکل ارتجاعی درمی‌نوردند هر کدام گواهی هستند بر ابتدال افسارگسیخته در این نوع از سینمای کشور. در فیلم‌های کمدی بیش از فیلم‌های اجتماعی و درام می‌توان به مسائل مهم و روز جامعه پرداخت و آسیب‌های اجتماعی را واکوی کرد، اما با بررسی آثار فیلمسازی چون مسعود اطیابی مشخص است آنها نه تنها چنین هدفی از ساخت فیلم‌هایشان دنبال نمی‌کنند، بلکه صرفاً سینما را کالایی برای کسب درآمد می‌دانند و این در راه از هر چیزی بالاتر است. شوخی‌های جنسی گرفته تا توهین و تحقیر و خشونت‌های کلامی و فیزیکی و حتی تحریب نهاد خانواد است استفاده می‌کنند و با سوء استفاده از عدم نظارت درست و اصولی بر تولیدات سینمایی فیلمی پرفروش می‌سازند و به عبارتی گیشه را فتح می‌کنند!

در صحنه‌ای از «بخارست» ۵ شخصیت فیلم در حال فرار سر از میهمانی بی‌معنای لات‌های شهر درمی‌آورند، در این میهمانی (که در یک تالار لوکس مسروزی اتفاق می‌افتد)، لشگر داش مشت‌های با سبیل‌های چخماقی، کلاه شاپو، دستمال بزدی و تیزی در حال با یکبارک رقصیدن هستند. این سکناس از یک سوء استعراهای از ماهیت فیلم و از سوی دیگر ادای دینی به فیلم‌فارس‌های دوران طاغوت است. از این رو است که فیلم‌هایی چون «بخارست» را می‌توان زاینده سطره نظام فیلم‌های کارراه‌ای دانست که به شکل تازه‌ای به گیشه سینمای ایران بازگشته‌اند. آثاری از این دست که مرزهای ابتدال و فیلم‌فارس را به شکل ارتجاعی درمی‌نوردند هر کدام گواهی هستند بر ابتدال افسارگسیخته در این نوع از سینمای کشور. حرف آخر اینکه آشکارا این رویکرد امروز در حال رسوخ به پیکره سینماست و نیاز به ورود کارشناسان برای آسیب شناسی و دخالته مدیران ارشد برای اصلاح، بشدت حس می‌شود. این موج جدید از فیلم‌های به اصطلاح کمدی که در سینمای ایران به راه افتاده است می‌تواند ضربه مهلکی به بدنه سینما وارد کند سینمایی که خالی از فکر و اندیشه است و می‌تواند به مرور زمان منجر به فروپاشی‌های اخلاقی و فرهنگی در جامعه شود.

حماسه «سوران» چگونه کلید خورد؟

پخش تلویزیونی سریال جدید شبکه یک با نگاهی به وقایع تاریخ معاصر در کردستان، از چهارشنبه شب آغاز شد و به همین بهانه نگاهی به دو قسمت ابتدایی این سریال داشته‌ایم؛ «سوران» چگونه سریالی است؟

«سوران» به‌عنوان یکی از جدی‌ترین سریال‌های تلویزیونی که در حوزه تاریخ معاصر به اتفاقات کردستان در دهه ۵۰ می‌پردازد، پخش خود را این هفته از تلویزیون آغاز کرد. سریالی که به تهیه‌کنندگی مجتبی فرآورده و کارگردانی سروش محمدزاده به سرانجام رسیده است.

مجتبی فرآورده از نویسندگان و تهیه‌کنندگان دغدغه مند سینما و تلویزیون است که از آخرین آثار او می‌توان به «۲۳ نفر» در سینما اشاره کرد. سریال «سوران» توسط مرکز سریال سازمان سینمای سوره ساخته شده و حالا با شروع پخش این مجموعه از شبکته یک سیما، مروری داریم بر ۲ قسمت ابتدایی که از سریال پخش شده است. دو قسمتی که در همین ابتدای راه نشان داد «سوران» می‌تواند به عنوان یکی از مجموعه‌هایی که سرآغاز نمایش تاریخ معاصر رفته است، جایگاه خود را نزد مخاطب تثبیت کند.

سریال «سوران» از کتاب «عصرهای کربسکان» نوشته کیانوش گلزارآرغاب اقتباس شده است؛ اقتباسی آزاد اما جزو محدود سریال‌های تاریخی و انقلابی است که از همان ابتدا بنای محکم و درستی رفته تا غنای داستانی قوی‌ای داشته باشد و فیلمنامه را براساس بحران‌ها و التهابات واقعی دهه ۵۰ پیش برده است.

کربسکان نام منطقه‌ای در کردستان است که راوی کتاب «عصرهای کربسکان» دوران استراش را در آنجا گذرانده است.

قصه سریال «سوران» اما برخلاف خیلی از سریال‌های تلویزیونی در همان قسمت اول شروع شد و یک شمایی کلی از آنچه مخاطب در قسمت‌های دیگر این مجموعه خواهد دید را پیش روی او قرار داد؛ از اتفاقات ملتبه مناطق کردستان، از دیالوگ‌هایی که هر از گاهی از شخصیت اول قصه و اسم بردن از «آقا مهدی باکری» پیش کشیده می‌شود تا سلاواک و اعتصاب‌هایی که گروه‌ها و گروهک‌های مختلف در وقایع قبل از انقلاب دارند.

قصه سریال درست از سال‌های قبل از انقلاب شروع می‌شود اما این بار نه در تهران و پایتخت، بلکه در یکی از ملتبه‌ترین مناطق جغرافیایی کشور در آن روزها، در دل کردستان.

اسم سریال براساس شخصیت اصلی این مجموعه انتخاب شده است؛ کاراکتری که مهدی نصرتی نقشش را بازی می‌کند. قسمت‌های ابتدایی سریال به معرفی کلی شخصیت‌ها، اتفاقات و فضای کلی آن دوران اختصاص داشت.

در قسمت‌های اول هنوز به سال‌های وقوع انقلاب نرسیده‌ایم اما مردم به دلیل فضای حاکم بر کشور هر از گاهی دست به اعتصاب می‌زنند. گروهک کومله اعلام شورمختری کرده است، گروهک‌های مختلف هم فعالیت‌های پراکنده‌ای دارند. سوران در این میان قرار است نقش مبارز آزاده این سریال را ایفا کند که در گیر و دار یک عروسی چالش‌هایش را اظراقایش را می‌بینیم.

سریال «سوران» به دل کردستان رفته است و احتمالاً به همین دلیل کمتر در ترکیب بازیگرانش چهره‌های شناخته‌شده می‌بینیم. شاید همین انتخاب به روایت باورپذیرتر قصه هم کمک کرده باشد.

مهدی نصرتی نقش اول سریال است که مخاطب تلویزیون شاید با اولین بار باشد که او را در تصویر می‌بیند. بازی درست و به اندازه و توانمند او اما مشخص می‌کند که حتماً تجربه‌های دیگری هم داشته است.

نصرتی که سابقه ایفای نقش بر صحنه تئاتر را هم داشته است، پیش از این در فیلم‌های «لباس شخصی» و «فض» تجربه بازی سینمایی را داشته که اتفاقاً هر دو این آثار نیز روایتی تاریخ معاصر دارند اما این بازیگر جوان این اقبال را نداشت که این فیلم‌ها که هر یک در جشنواره‌های فجر سال‌های گذشته رونمایی شدند، به اکران برسند.

زنده یاد احمد محمودی که سریال «سوران» و یکی از سریال‌های شبکه سه که هنوز به پخش نرسیده است، از آخرین یادگاری‌های تلویزیونی اوست، از بازیگران چهره‌تر این مجموعه محسوب می‌شود.

علیرضا جعفری از بازیگران جوان که بیشتر در سریال‌های طنز دیده شده است هم دیگر بازیگر اصلی سریال «سوران» است که مخاطب او را بسا فیلم «مهمان مامان» و یا سریال‌هایی مثل «شاهگوش» به یاد می‌آورد. او اینجا نقش رفیق قادر را بازی می‌کند که از کوموله‌هاست و اعتقادی به مبارزه مسالمت‌آمیز با شاه ندارند.

تومانج دانش‌بهبزادی، مریم کاظمی، مصطفی کولیوندی، محمدرضا صولتی، احمد جعفری، روزبه رؤفیی، گلنوش قهرمانی، هلن نقی‌لو، علی اکبر اصائلو، احمد صفی، ارشیا عبدالمی، آرش نیازی، مدیا ذاکری، حمید محرابی، علیرضا حنفی، شاهو شاهرادی، سیمین بهفر و آسو پاشاپور دیگر بازیگران سریال را تشکیل می‌دهند.

سروش محمدزاده کارگردانی این سریال را بر عهده دارد که پیش از این سریال‌های «توار زرد» و «همیازی» در تلویزیون را ساخته است. او در شبکته نمایش خانگت هم سریال «سپاوش» را به تولید رسانده است که فضایی اجتماعی داشت و بازی مجید صالحی در آن مورد توجه قرار گرفت.